



یک جنگ بزرگ، به چه دلیلی آغاز می‌شود؟ درباره جنگ جهانی اول می‌گویند: «روز ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ و لیهعهد اتریش و همسرش در هنگام بازدید از شهر سارایه وو گم شدند. کسی نفهمید آیا راننده مسیر را اشتباه کرد یا عمداً آن‌ها را به کوچه پس‌کوچه‌های شهر برد. حتی در بعضی داستان‌ها گفته می‌شود اختیار ماشین از دست راننده خارج شده بود! اما در یکی از همین کوچه‌ها، یک دانشجوی صربستانی به آن‌ها شلیک کرد و ولیعهد و همسرش کشته شدند.»

به این ترتیب جنگی شروع شد که ۴ سال طول کشید، ۱۷ میلیون انسان را به کشتن داد و باعث نابودی چند حکومت قدیمی شد. راستی اگر این اتفاقات نمی‌افتاد، مثلاً ماشین مسیر عادی خود را می‌رفت و ولیعهد اتریش هم کشته نمی‌شد، آیا چنین جنگ خونی رخ نمی‌داد؟! « نوید استادرحیمی



دانشجوی صرب که ولیعهد و همسرش را به قتل رساند.

در طول سال‌ها، کشورها تا توانستند قدرت خود را به رخ هم کشیدند. مثلاً امپراتور آلمان که می‌دانست کشور مراکش در شمال آفریقا، زیر سلطه فرانسه است، سفری به مراکش کرد و در سخنرانی خود اعلام کرد که مراکش باید استقلال داشته باشد.

جنگ آفتاب

فرض کنید چند کشور قدرتمند در برابر هم قرار گرفته‌اند و همگی در آرزوی جنگ با یکدیگر هستند. اما می‌دانند که کشور مقابلشان هم قدرت زیادی دارد و نمی‌توان به راحتی آن را شکست داد. پس در این شرایط همه مجبورند با هم صلح کنند. در حالی که همگی منتظر اولین فرصت هستند که دشمن خود را شکست دهند.

این شرایط از چهل سال قبل از جنگ جهانی اول در اروپا حاکم بود و به آن «صلح مسلح» می‌گفتند؛ یعنی صلحی که اگر ترس از سلاح‌های رقیب نبود، از مدت‌ها قبل تبدیل به جنگ می‌شد. در این شرایط بهترین کار این است که هر کشور مثل یک شطرنج‌باز با مهره‌هایش بازی کند.



در شرق اروپا هم جنگ‌هایی چند ماهه رخ داده بود، یک بار ایتالیا علیه امپراطوری عثمانی و یک بار اتحاد چند کشور کوچک علیه امپراطوری عثمانی. به همین خاطر وقتی جنگ جهانی اول شروع شد، بیشتر مردم راهی جبهه‌ها شدند. چون فکر می‌کردند این جنگ هم بعد از چند ماه تمام می‌شود و همه می‌خواستند برای تعطیلات کریسمس سال ۱۹۱۵ در خانه‌های خود باشند!

از سال ۱۸۷۱ که کشور آلمان متولد شد، شرایط اروپا تغییر کرد. آلمانی‌ها در مدتی کوتاه به قدرت سیاسی و اقتصادی بزرگی در اروپا تبدیل شدند. اما یک قدرت اقتصادی مجبور است کالاهای خود را به کشورهای ضعیف‌تر صادر کند. اما به کجا؟ کشورهای مثل بریتانیا و فرانسه قبلاً این کارها را انجام داده بودند و حالا دیگر جایی برای قدرت جدیدی باقی نمانده بود.

بدتر از آن، شرایط سیاسی بود. آلمان به‌عنوان یک قدرت سیاسی می‌خواست سرزمین‌های ضعیف‌تری را در سراسر دنیا تصرف کند. اما تمام نقاط دورافتاده آسیا و آفریقا هم توسط قدرت‌هایی مثل روسیه، بریتانیا، فرانسه و ایتالیا تصرف شده بودند. به همین خاطر آلمانی‌ها می‌گفتند: «ما به دنبال جایی در آفتاب هستیم!» اما چنین سرزمینی دیگر پیدا نمی‌شد.





بالاخره بهانه‌ها ایجاد شد. ولیعهد اتریش که در سرزمین صربستان کشته شد، دولت اتریش به صرب‌ها اولتیماتوم داد و اعلام کرد ما باید تحقیق کنیم تا ببینیم عامل این قتل چه بوده؟ جواب اتریشی‌ها «دولت صربستان» بود! البته دولت صربستان هم این را نپذیرفت که اتریشی‌ها چنین حرفی بزنند. در این شرایط روسیه به کمک صرب‌ها آمد و آلمان به کمک اتریش. آلمان در همان حال تصمیم به جنگ با فرانسه را گرفت و برای این منظور، کشور بی‌طرف بلژیک را تصرف کرد تا بریتانیا هم علیه آلمان وارد جنگ شود! سه سال بعد از آغاز جنگ، آمریکا هم به بهانه غرق شدن کشتی‌هایش توسط آلمان‌ها، علیه آلمان وارد جنگ شد.

سرانجام با پایان جنگ جهانی اول، قرار شد سران کشورها در کاخ ورسای فرانسه ملاقات کنند و درباره اتفاقات رخ داده در جنگ تصمیم بگیرند. در «کنفرانس صلح ورسای» کشور شکست خورده جنگ -آلمان- به عنوان کشور شروع کننده جنگ شناخته شد و مجبور شد سنگین‌ترین غرامت‌ها را به کشورهای پیروز بدهد. علاوه بر آن، بسیاری از سرزمین‌های خود را نیز از دست داد.

اما آیا این بر خورد با کشور شکست خورده، باعث شد که پس از آن، دیگر جنگی رخ ندهد؟! از قضا همین نوع برخوردها و فشار اقتصادی شدید باعث شد که آلمان‌ها دوباره متحد شده و ۲۰ سال بعد، جنگ جهانی دوم را آغاز کنند! البته در جنگ جهانی دوم، دو کشور ایتالیا و ژاپن (که در جنگ اول، دشمن آلمان بودند) با آلمان متحد شدند. زیرا دیده بودند که با وجود پیروزی در جنگ اول، سهمی از غنیمت‌ها به آن‌ها نرسید!



در جنگ جهانی اول برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی استفاده شد، هواپیماها وارد جنگ شدند و بسیاری از مناطق مسکونی و انسان‌های بی‌گناه را بمباران کردند.



جنگ سبب شد که کشورهای نیرومند وارد کشورهای ضعیف‌تر شوند و اثرات فراوانی روی این کشورها بگذارند. مثلاً در ایران، بریتانیایی‌ها کل منابع گندم سیستان را برای سربازان خود خریداری کردند و ناگاه قیمت گندم به خرواری ۲۰ تومان افزایش یافت. روس‌ها هم در شمال، منابع آذوقه، غله و مواد غذایی کشور را تصاحب کردند. در این شرایط محتکران از فرصت استفاده کردند و در شرایطی که انبوه مردم از گرسنگی و شیوع بیماری (آنفلوآنزای اسپانیایی) در حال مرگ بودند، گندم را در انبارها احتکار کردند. حریص‌ترین این محتکران احمد شاه (پادشاه قاجار) بود که حتی حاضر نمی‌شد، گندم را با نرخ دولتی بفروشد و همواره با بالاترین قیمت ممکن گندم‌ها را می‌فروخت!

یک لطیفه تکراری را همه شنیده‌ایم که می‌گوید: «اگر ادیسون برق را اختراع نمی‌کرد، یک نفر دیگر برق را اختراع می‌کرد!» اما این مسئله در جنگ جهانی، دیگر لطیفه نیست و واقعیت دارد. اگر «آرشیدوک فرانس فردیناند» ولیعهد اتریش توسط «گاوریلو پرنسیپ» جوان دانشجو کشته نمی‌شد، بالاخره بهانه‌ای دیگر برای جنگ به وجود می‌آمد و نبرد بزرگ بالاخره رخ می‌داد.

نتیجه این امر، مرگ و میر میلیون‌ها ایرانی بود. گفته می‌شود از جمعیت ایران، یک سوم مردم به دلیل گرسنگی از دنیا رفتند. در پایان نبرد، کشورهایی که همگی در مرکز نقشه اروپا به هم متصل بودند و «متحدین» نام گرفته بودند (آلمان، اتریش، عثمانی و بلغارستان) در برابر دشمنان خود که بسیاری از آن‌ها با هم همسایه نبودند و به همین خاطر «متفقین» نام داشتند (مثل بریتانیا، فرانسه، آمریکا، ژاپن و...) شکست خوردند.